



خودروی دیگری هم رسید. خانواده عمویش از شهرستان آمدند می کرد، دست روی شانه اش می گذاشت و می گفت برای خودت مردی شده ای. پدرش می گفت: یک عمر با آب و زندگی کردیم ما، معلوم است چکار می کنی؟ پسری با غیظ رو برگرداند و جوابی نداد. سرکار استوار متهم را به سمت ماشین پلیس هدایت کرد. ناگهان یک خودروی سواری سر رسید. کودک یک پیاپی شده و با ذوق و شوق به مادرش می گفت: مامان، مامان ماشین پلیس. پسری جوان با دیدن این صحنه پاهایش مست شد؛ خشکش زده بود. بیخ و رو را با دیدن پدرش کج کرد و سرش را به زمین زد. سرکار استوار با لیختن یک ماشین اشاره ای کرد و چند دقیقه فرصت خواست. دست خواهرزاده اش را گرفت و زانو زد. با صدای بغض آلود گفت من زود برمی گردم. سر قولم هستم حتما برایت یک ماشین اسباب بازی باری نشکن می خرم. بلند شد و طرف ماشین رفت. سرکار استوار با لیختن یک ماشین اشاره ای کرد و گفت: شما باید مقید داخل خانه پیش پدر بزرگ و مادر بزرگ، من و دایی می خواهیم جایی برویم. پس بیچه با لیختن تلخ از ته دل گفت: چشم. انگار همه چیز دست دست هم داده بودند سر پدر جوان محکم تر به سنگ بخورد.

زندگی ام را خودم خراب کردم؛

پشیمانی پسر جوان قبل از مراسم خواستگاری دختر عمویش

گروه حوادث - پسر جوان در حال فکر ازدواج با دختر عمویش بود که خودروی پلیس جلوی در خانه ششان توقف کرد و دستبند روی دستانش زده شد. تازه برایش جشن تولد ۲۶ سالگی گرفته بودند. مادرش دعای می کرد هر چه زودتر سرو سامانش بدهند. اما پدر با نگرانی پسر را تا پای پسر را بر انداز می کرد و با خودش می گفت: چشم نمی خورد این چه سر عقل بیاید. مثل آدم زندگی کند. چیزی که پدر را خیلی رنج می داد خون سردی و بی تفاوتی پسر بود. سرمایه ای جفت و جور کرد و برایش کارو کاسبی راه انداخت. آن قدر انقلا آورد و ساز مخالف زد که با ضرر و زیان مغازه را جمع رویش سفره به خارج بود و ازدواج با دختری که دست خانواده اش به دهان شان برسد. یکی دو جابم خواستگاری رفتند. پسر حرفی برای گفتن نداشت و دست از پا دراز تر با جواب رد برگشتند. مادرش خودمانی با برادر شوهرش صحبت کرد و لایه لایه حرف ها گفت دست این پسر را بگیرید و به غلامی قبولش کنید. عمو جان بی میل نبود و می گفت هر چه باشد برادرزاده ام هست و باید حمایتش کنیم. البته وقتی مادر به پسر جوان گفت اگر قسمت باشد دختر عمویت را برایت می گیریم، پروبی بالا انداخت و با نیش خندی گفت: مبارک

باند کیف زنی در اتوبوس های شهری متلاشی شد



گروه حوادث - عاملان جیب بری و کیف زنی در اتوبوس های شهری در حالی با تلاش مأموران کلانتری بانوان دستگیر شدند که تعدادی گوشی های سرقتی از آنان کشف شده است. روند صعودی جیب بری و کیف زنی در خیابان شیرازی مشهد موجب شد تا گروهی از افسران دایره تجسس کلانتری بانوان، ماجرای سرقت در اتوبوس های شهری را به طور نامحسوس پیگیری کنند چرا که سرقت های متعدد در خیابان شیرازی موجب نگرانی بسیاری از مال باختگان شده بود. طولی نکشید که رصدهای اطلاعاتی با نظارت سرهنگ سمیه گلزاری (رئیس کلانتری بانوان) به نتیجه رسید و مأموران مخفی پلیس، معج و زین جیب بر را هنگام سرقت درون اتوبوس رو گذر خیابان شیرازی گرفتند و آنسان را به کلانتری انتقال

و قتی به کلانتری آمد از شدت شرم نمی توانستم به چهره همسر و فرزندم که اکنون ۶ساله بود و مرا نمی شناخت، نگاه کنم. تلاش کردم تا با «سیمین» صحبت کنم اما او با خشمی که همه وجودش را فضا گرفته بود، رویه من کرد و گفت: می دانی در طول شمسال چه کشیدم! میدانی چگونه دخترم را با کارگری در خانه های مردم بزرگ کردم! میدانی حتی روزه و نمازهای قضای دیگران را برای مقداری پول به عهده گرفتم تا خودم نیز کمتر غذا مصرف کنم! حالا چه می خواهی بگویی، حالا که آن زن غریبه همه اموات را تصاحب کرده است، از من چه انتظاری داری...؟! خلاصه «سیمین» حرف می زد من که عقلم رادر قمار زندگی باخته بودم، فقط سرم را پایین انداختم و اکنون نیز فقط طلاق می خواهم و قصد دارم بر سرستی دخترم را هم به عهده بگیرد اما ای کاش... این گزارش حاکی است بادیستور سرگرد احسان سبکیار (رئیس کلانتری شغای مشهد) تلاش مشاوران کلانتری برای ادامه زندگی مشترک زوج مذکور در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد اما زن جوان مدعی بود به هیچ وجه نمی تواند به مردی خیانتکار اعتماد کند

نقشه شیطانی زن فریبکار برای مرد متاهل



و مهرورزی های ریاکارانه اش عاقلم را دزدیده بود. با آن که «حمیده» ۵سال از من بزرگ تر بود اما چنان کورو کربودم که به هیچ چیزی عقلم را نمی اندیشیدم. از سوی دیگر با به دنیا آمدن دخترم، «سیمین» سرگرم بچه داری شد و من هم از این فرصت برای ارتباط بیشتر با «حمیده» استفاده کردم و او را به عقد موقت خودم در آوردم. او چنان مرا آشفته خودش کرد که دیگر به همسر و فرزندم نیز توجهی نمی کردم. طولی نکشید که «حمیده» به بهانه این که روزی «سیمین» از من شکایت خواهد کرد و به خاطر مهریه

گروه حوادث - روزی که به خاطر زیاده خواهی و هوسرانی به همسرم خیانت کردم و بعد هم آن زن غریبه را به عقد موقت خودم در آوردم، هیچ گاه فکر نمی کردم که در دام یک زن شسیاد افتاده ام و او فقط ورزد چرا که... جوان ۲۷ ساله ای که به حکم قانون و با شکایت همسرش بازداشت شده بود، در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شغای مشهد گفت: ۲۰ساله بودم که خانواده ام دختری به نام سیمین را برایت خواستگاری کردند. او اگر چه ۱۵سال بیشتر نداشت اما به قول مادرم از هر انگشش هزاران هنر می ریخت. حرف های مادرم زمانی برایت رنگ و واقعیت گرفت که بعد از یک سال دوران عقد، زندگی مشترکمان را آغاز کردیم و من هر بار که کلید خانه را درون قفل می چرخاندم، از بوی غذاهای خوشمزه «سیمین» غرق لذت می شدم. او چنان با چای خوش رنگ از من پذیرایی می کرد که گویی در اوج خوشبختی بودم ولی خیلی زود به این همه ششامانی و لذت پشت پا زدم و به خاطر هوسرانی های دوران جوانی به سوی زن غریبه ای در فضای مجازی رفتم که با چرب زبانی ها

نیازمندی های روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<p><b>مفقودی</b></p>	<p><b>اپلیکیشن خدماتی</b></p>	<p><b>پیرایشگاه</b></p>	<p><b>استخدام</b></p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۵۰۲۸۶/۰۱ به نام حسین کلانتری پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد</p>	<p><b>دوستم</b> اپلیکیشن خدماتی کیش غذا، مارکت، خرید، دلیوری و... www.Dustam.com ۰۹۹۶۶۷۷۳۳۳۷</p>	<p><b>پیرایش علیرضا</b> ارائه جدیدترین متد روز خدمات پوست و مو آقایان نشانی: جزیره کیش، فاز A، پارک مینا، مجتمع خدماتی پارسیان، غرفه ۱۵ ۰۹۳۴۷۶۸۳۱۷۹ - ۰۹۱۲۸۶۳۹۱۷۹</p>	<p><b>روزنامه اقتصاد کیش استخدام می کند</b> خانم مسلط به شبکه های اجتماعی و فضای مجازی برای فعالیت و مدیریت گروه ها تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۰۲۸۴</p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۱۸۸۷۹/۰۱ به نام علی اصغر علی میرزایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد</p>	<p><b>حمل بار</b></p>	<p><b>متقاضی رهن و اجاره</b></p>	<p><b>استخدام منشی عصر ساکن کیش</b> یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفیت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<p>اصل سند شش دانگ یک دستگاه آپارتمان به شماره ۱۴ مجزی شده از قطعه NVC1 واقع در فاز نوار ساحلی و به شماره مسلسل ۴۸۳۰۲ به نام مهدی حاج زاده ثمرین مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.</p>	<p><b>خیاطی</b></p>	<p><b>متقاضی رهن و اجاره یک خوابه در نوبنیاد</b> شماره تماس: ۰۹۳۶۷۹۶۹۴۴۱</p>	<p><b>استخدام منشی صبح ساکن کیش</b> یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفیت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۶۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵</p>
<p><b>اقتصاد کیش</b> با یک تماسی مشترک شوید</p>	<p><b>خیاطی حبیبی</b> بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸</p>	<p><b>اقتصاد کیش</b> با یک تماسی مشترک شوید</p>	<p><b>اقتصاد کیش</b> با یک تماسی مشترک شوید</p>

صنایع چوب | **حلاج کیش** | کلیه سفارشات | MDF، چوبی | دکوراسیون غرفه و منزل | تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲